

## جداسازی جنسیتی فضاهای شهری و کیفیت زندگی زنان

نسیم السادات محبوبی شریعت پناهی\*، مریم جنگ زرگری\*\*

### چکیده

توسعه فضاهای عمومی شهری مطلوب از طریق در نظر گرفتن نیازها، امکانات واقعی و مشارکت مردمی در شهر نقش مؤثری در تحقق توسعه پایدار ایفا می‌کند. فضاهای شهری از دیرباز به دلیل سبک معماری خود ماهیتی جنسیتی داشته‌اند، بدین معنا که عملاً فضاهای شهری در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت کرده و موجب طرد فضایی آنان می‌شده‌اند. بدین ترتیب، زنان نه تنها از بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهر محروم بوده‌اند، بلکه به دنبال آن از سهیم شدن در فرایند مشارکت و فعالیت‌های اجتماعی نیز حذف شده‌اند. در دهه اخیر، در ایران، برنامه‌هایی با محوریت ایجاد فضاهای زنانه برای رضایت‌مندی زنان در کلان‌شهرهایی مانند تهران اجرا شده است. فضاهایی مانند واگن‌ها، اتوبوس‌ها، پارک‌های زنان و مجتمع‌های رفاهی مختص زنان با هدف ایجاد فضاهای زنانه شهری سعی کرده‌اند طردشدگی فضایی زنان را با تأکید بر حفظ امنیت آنان حذف کنند. در این مقاله، با بررسی نظری فضاهای شهری زنانه، دیدگاه‌های موافقان و مخالفان این فضاها با عنوان جداسازی جنسیتی فضاهای شهری و تأثیر آن بر کیفیت زندگی زنان بررسی شده است. به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از دو رویکرد موافق و مخالف تقسیم جنسیتی فضاهای عمومی مستندات تأییدکننده کافی بر ادعای خود ندارند. موافقان بر امنیت زنان و تأثیر آن بر کیفیت زندگی آنان و ایجاد فرصت حضور فعال زنان در عرصه عمومی تأکید دارند و مخالفان بر بازتولید جداسازی جنسیتی سنتی و نیز طرد زنان از فضاهای شهری عمومی و تأکید بر شهروندی منفعل زنان دست گذاشته‌اند. به نظر می‌رسد اگر انگیزه ایجاد فضاهای جنسیتی شهری به وجود آوردن حق انتخاب برای زنان بین این فضاها و سایر فضاهای جداسازی نشده، و رفع نیازهای آنان در فضای عمومی باشد، می‌توان بر کارکرد مثبت این فضاها تا حدی تأکید کرد. هرچند در نهایت از این فضاهای جنسیتی صرفاً می‌توان به‌عنوان یک راهکار در دوره گذار برای عادی‌سازی فعالیت اجتماعی زنان در شهرهای مردانه استفاده کرد.

### کلیدواژه‌ها

زنان، شهر، فضای عمومی، کیفیت زندگی

## مقدمه

از دید بسیاری از نظریه‌پردازان و پژوهشگران، فضا عنصر جدانشدنی ساخت مادی و ساختمان‌شدن زندگی اجتماعی است و این بدان معناست که نمی‌توان آن را جدا از جامعه و روابط اجتماعی فهمید (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۸). کوهن<sup>۱</sup> واژه فضای شهری را به دو گونه تعریف می‌کند: فضای اجتماعی و فضای ساخته‌شده و مصنوع. فضای اجتماعی «تداعی فضای نهادهای اجتماعی» است (به نقل از مدنی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۵). فضاهای شهری شامل طیف وسیعی از انواع فضاهای عمومی تا خصوصی است. به عبارت دیگر، هر رفتار و فعالیت حریم و قلمرو خاص خود را دارد و در مقابل، هر فضا نیز دارای حرمت و حریم خود است. فضاهای باز شهری بستر ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان است (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۸). در این مکان‌ها، افراد و گروه‌های مختلف با منافع و علایق متفاوت حضور می‌یابند. نقش اصلی این فضاها ایجاد مکان‌هایی برای افزایش کنش‌های متقابل اجتماعی، ارتقای کیفیت زندگی ساکنان و مبارزه با محرومیت‌های اجتماعی است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۴). توجه به فضاهای شهری و نیازهای گروه‌های مختلف در جامعه مدرن همواره مورد توجه جامعه‌شناسان، معماران و فعالان دفاع از حقوق گروه‌های پردشده اجتماعی بوده است.

از زمان پیدایش شهرها، فضاهای شهری ماهیتی جنسیت شده داشتند و عملاً در برابر تحرک آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کردند. باندر<sup>۲</sup> معتقد است که نظم پدرسالارانه جوامع با شکل‌گیری شهر تقویت شده، چراکه فضای جنسیت‌زده ناهمسانی قدرت مردان و زنان را در جامعه تشدید می‌کند. وی محدودیت تحرک زنان را هم در استفاده از فضا و هم در برساخت هویتشان به معنی تحت سلطه بودن آنان می‌بیند. از این رو، تجربه زنان از کل زندگی شخصی و اجتماعی خود به نحو متمایزی از مردان تجلی می‌یابد و آنها در بسیاری از مراحل و موقعیت‌های زندگی با احساس هراس از مواجهه با دنیای مردانه‌ای که متعلق به آنان نیست و

قوانین خود را به آنها دیکته می‌کند روبه‌رو می‌شوند (باندر، ۲۰۰۴؛ به نقل از ابادزی و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۷). اما باید توجه داشت که این جنسیتی شدن به دو صورت و در حقیقت در دو بازه زمانی صورت پذیرفته است. در دوره اول، فضای عمومی شهرها مردانه تعبیر شده و زنان به حوزه خصوصی (خانواده) رانده شده‌اند. اما در دوره جدید و تحت تأثیر جنسیت زنان، فضاهای عمومی شهری به فضاهایی زنانه و مردانه تقسیم شده و زنان به‌رغم حضور در شهر با محدودیت و طرد فضایی مواجه هستند. این جداسازی بر دو رویکرد استوار است: جداسازی مبتنی بر جنس<sup>۳</sup> و جداسازی مبتنی بر جنسیت<sup>۴</sup>. در جداسازی مبتنی بر جنس، اماکن شهری زنان و مردان را به دلیل تأمین نیازهای مبتنی بر جنس از هم جدا می‌کند، مانند سرویس‌های بهداشتی، حمام‌ها و اتاق‌های مادر و کودک. اما جداسازی مبتنی بر جنسیت در واقع بر اساس جنسیت افراد به وجود می‌آید و عوامل فرهنگی عامل اصلی جداسازی زنان و مردان است. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود جداسازی مبتنی بر جنسیت است. در این جداسازی اماکن عمومی در فضاهای شهری تحت تأثیر عوامل متعدد فرهنگی به زنانه/مردانه یا زنانه/زنانه-مردانه (مختلط) تقسیم می‌شوند.

## ۱- تاریخچه

تا پیش از آغاز دهه هشتم قرن بیستم، برنامه‌ریزی و طراحی فضاهای شهری در جهان بدون توجه به نیازهای زنان شکل می‌گرفت. به لحاظ تاریخی، همواره معماری، طراحی و برنامه‌ریزی شهری امری مردانه تلقی شده است. فرهنگ مردسالاری با تقسیم کار و محول کردن امور خانه به زنان، به‌صورت عملی، به‌نوعی سبب سلب فرصت مشارکت برابر زنان در جامعه شده و این مسئله به‌تدریج به‌صورت یک نهاده ذهنی درآمده است که الگوهای رفتاری متناسب با همان ارزش‌ها را به زنان ارائه می‌دهد (خلیلی، ۱۳۸۶). بنابراین، در فرایند برنامه‌ریزی و سازماندهی فضاهای شهری نیز اغلب زنان در حاشیه قرار گرفته و به فضای خصوصی رانده شده‌اند و فضای عمومی عرصه سلطه مردان

3- sex  
4- gender

1- Cohen  
2- Bounds

تلقی شده است. از این منظر، هویت مردانه و زنانه فضاها به سبب دوگانگی‌ها و تضادهایی ایجاد شده که حضور زنان را فقط در فضای خصوصی مجاز و فضای عمومی را مختص مردان دانسته است. با پذیرش قلمروهای متفاوت برای زنان و مردان و ساخت شهرهایی مردانه که در آنها فقط نیازهای مردان مورد توجه قرار می‌گرفت، فضاهاى جنسیتی خلق شدند. منظور از فضاهاى جنسیتی فضاهایی هستند که مقررات معماری و جغرافیایی وضع شده اجتماعی در آنها حضور زنان را قاعده‌مند و دسترسى آنان را به فضاهایی که به تولید قدرت و منفعت متصل هستند، محدود می‌کند (Phadke, 2006). جنسیتی شدن فضا زمانی به عنوان مشکل مطرح می‌شود که بنا به دلایلی یکی از دو جنس به اجبار یک فضای عمومی را ترک کند و از حق بهره‌برداری از آن فضا محروم شود، در حالی که امکان بهره‌مندی مطلوب از فضاهاى شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندی محسوب می‌شوند (کاظمی، ۱۳۸۸: ۴۹).

از همان ابتدا، با تقسیم فضای عمومی و خصوصی و تقسیم کار جنسیتی، ماهیت فضاهاى جنسیتی شهری در محدود کردن تحرک زنان و القای الگوهاى فرهنگی مبتنی بر تفاوت نقش‌پذیری زنان بنا شده بود. بنابراین، با ظهور جنبش‌های زنان و حضور آنان در عرصه‌های اجتماعی، فضاهاى شهری از منظر آنان جنسیتی تعبیر شد و مورد توجه طرفداران حقوق زنان قرار گرفت. طرفداران حقوق زنان همواره به این نوع از شهرسازی، تقسیم‌بندی جنسیتی فضای خصوصی و فضای عمومی، و راندن زنان به فضای خصوصی با بهانه عدم امنیت زنان در شهر نقد داشته‌اند. این در حالی است که معماران شهری یکی از راه‌های توجه به نیازهای زنان در شهر را جداسازی جنسیتی اماکن شهری عمومی می‌دانسته‌اند. بنابراین، برای تأمین رضایت و امنیت زنان در فضاهاى شهری و با تکیه بر این اصل که ایجاد اماکن، تسهیلات و نیز خدمات باید برای زنان به صورت اختصاصی صورت گیرد، جداسازی زنان و مردان در فضاهاى عمومی شکل گرفت. این اماکن به طور معمول «فضای امن» نامیده می‌شوند و نمونه‌های آنها عبارت‌اند از اماکن مذهبی،

اماکن آموزشی، خوابگاه‌ها، پناهگاه‌ها، بخش سلامت، زندان و ندامتگاه و بازپروری، محل برگزاری جشن‌ها و رویدادها، اماکن ورزشی، رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌های زنانه، واگن‌های مخصوص زنان، تاکسی و وسایل حمل و نقل مختص به زنان، و نیز مکان‌های اختصاصی پارک ماشین برای زنان.

در اروپا، از سال ۱۸۳۰ میلادی و به موازات ظهور و گسترش جنبش زنان، مکان‌های عمومی و تفریحی زنانه مانند کلوپ‌های زنانه، ورزشگاه‌های زنانه، لژ زنانه در رستوران‌ها و نظایر آن رو به توسعه نهاد و از سال ۱۹۱۰ به این سو نیز آمریکا به این موج ایجاد فضاهاى مختص زنان پیوست (-www.en.wiki. See: pedia.org/women-only). امروزه این گونه اماکن در سرتاسر دنیا هستند، اما در مورد مزایا و معایب آنها و تأثیرشان بر کیفیت زندگی زنان موافقان و مخالفانی وجود دارند. در کشورهاى آسیایی مانند ایران، ژاپن و ترکیه به طور تاریخی شاهد جداسازی جنسیتی اماکن عمومی و غیرعمومی بوده‌ایم. مانند اندرونی در خانه‌های ایرانی یا بالاخانه تکیه‌های مذهبی برای نشستن و حضور زنان در مراسم مذهبی. با شکل‌گیری شهرهای مدرن در ایران و به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایجاد فضاهاى جنسیتی مختص زنان از بازارها و بالاخانه‌ها به وسایل نقلیه عمومی و سایر خدمات اجتماعی تسری پیدا کرد. در یک دهه گذشته در شهر تهران شاهد ظهور کافه‌ها و رستوران‌ها، مراکز ورزشی، تفریحی و خدماتی مانند شهربانوها و شهردخت‌ها و پارک‌های مختص زنان (مانند بوستان بهشت مادران) و واگن‌های مخصوص زنان هستیم.

## ۲- تفکیک جنسیتی: برقراری عدالت فضایی یا بازتولید نابرابری جنسیتی

در بررسی جداسازی جنسیتی فضاهاى عمومی و کیفیت زندگی زنان دو رویکرد کلی وجود دارد. طرفداران جداسازی جنسیتی فضاهاى عمومی دلیل اصلی و کلیدی جداسازی جنسیتی اماکن عمومی را برقراری عدالت فضایی با تأمین امنیت و ایمنی زنان می‌دانند که نه تنها بر کیفیت زندگی زنان و آسایش و آرامش روانی آنان اثر می‌گذارد،

بلکه موجب تقویت حضور فعال آنها در عرصه اجتماع می‌شود. برخی دیگر بر این باورند که زنان و مردان به دلیل داشتن ویژگی‌های فیزیکی و روانی متفاوت نیازهای متفاوتی نیز دارند، و زنان به دلیل محدودیت‌های جسمانی و مسائل ایده‌ولوژیکی مثل حجاب در کشورهای اسلامی از حضور در برابر مردان در فضاهای عمومی ناتوان‌اند. بنابراین، اقداماتی از این دست را می‌توان در جهت ایجاد عدالت جنسیتی دانست. اما مخالفان جداسازی جنسیتی بر بازتولید نابرابری جنسیتی، تسری نقش دوم و شهروندی منفعل زنان تأکید دارند و معتقدند آورده این جداسازی که مبتنی بر تأمین امنیت زنان است بسیار کمتر از ضرری است که این جداسازی به زنان وارد می‌کند. در ادامه به بررسی نظرهای عمیق‌تر موافقان و مخالفان این جداسازی جنسیتی می‌پردازیم.

## ۲-۱- موافقان جداسازی جنسیتی

اسپین<sup>۱</sup> در اثرش، اهمیت فضاهای جنسیتی برای حوزه عمومی<sup>۲</sup>، سعی کرد نشان دهد که فضاهای جنسیتی شهری برای حوزه عمومی بسیار مهم‌اند، زیرا باعث ایجاد هویتی بیرون از خانه و خانواده برای زنان می‌شوند و فضای امنی برایشان می‌سازند. به عقیده او، تفکیک جنسیتی اختیاری برخلاف تفکیک جنسیتی اجباری، که به محدود کردن دسترسی زنان به فضای عمومی گرایش دارد، این دسترسی را افزایش می‌دهد (Spain, 2005). بر این اساس، نتایج یک نظرسنجی نشان می‌دهد زنان در اماکنی که مختص آنهاست احساس آرامش و اعتمادبه‌نفس بیشتری دارند. همچنین زنانی که از خدمات اختصاصی زنانه بهره‌مند می‌شوند احساس می‌کنند که دیده شده و به حضور آنها در جامعه اهمیت داده شده است. زنانی که از این‌گونه خدمات و مکان‌ها استفاده می‌کنند احساس همبستگی بیشتری با سایر زنان دارند و فرصتی می‌یابند که بدون دغدغه با زنان دیگر به تبادل تجربه بپردازند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که به لحاظ اجتماعی اماکن زنانه به آنها احساس توانمندی می‌دهد و کمک می‌کند که

از خانواده خود بهتر حمایت کنند. در مورد فضاهای شغلی نیز این پژوهش تأکید می‌کند که به لحاظ اقتصادی، فضاهای کاری زنانه به زنان فرصت می‌دهند با اعتمادبه‌نفس بیشتری مشغول به کار شوند. همچنین این امکان وجود دارد که با جداسازی جنسیتی به‌طور غیرمستقیم در هزینه‌های جامعه صرفه‌جویی شود، زیرا بخشی از هزینه‌های مستمر برای تأمین امنیت زنان در فضاهای عمومی و مقابله با قربانی شدن، تجاوز و آزارهای خیابانی کاسته می‌شود. در این نظرسنجی که مرکز منابع زنان<sup>۴</sup> در سراسر انگلستان از هزار زن عضو ۱۰۱ سازمان مختص زنان<sup>۵</sup> انجام داد ۹۷ درصد بر این باور بودند که زنان باید به سازمان‌های خدماتی مختص زنان دسترسی داشته باشند. ۵۶ درصد ترجیح می‌دادند به باشگاه ورزشی مختص زنان بروند. ۹۰ درصد معتقد بودند باید این امکان را داشته باشند که در صورت نیاز بتوانند خشونت خانگی یا تجاوز و هتک ناموس را به یک زن مسئول گزارش بدهند. ۷۸ درصد می‌گفتند که زنان باید حق انتخاب داشته باشند تا در صورت نیاز، برای مشاوره و رفع نیازشان به حمایت شخصی، به یک زن متخصص مراجعه کنند. همچنین بسیاری از زنان صرف‌نظر از فرهنگ، مذهب و تحصیلات خود ترجیح می‌دادند که خدمات مختص زنان را انتخاب کنند (Women's Resource Centre, 2007: 93-95).

در مقدمه مطالعه آزمایشی<sup>۶</sup> با عنوان امنیت زنان در حمل و نقل عمومی<sup>۷</sup> در انگلستان آمده است: دوسوم مسافران شهری روزانه در فرانسه زنان هستند. ۵۵ درصد از مسافران هرروزه در آمریکا را زنان تشکیل می‌دهند. در آلمان نیز تعداد زنانی که از سیستم حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند بیش از مردان است. با این حال، نیاز این گروه در امکانات حمل و نقل عمومی تقریباً نادیده انگاشته شده است که باید برای رفع این کاستی اقدام شود (Bhatt et al, 2012: 8).

همچنین موافقان تفکیک پارک‌های شهری، با تأکید بر امنیت زنان، بر این باورند که پارک‌های عمومی

4- Women's Resource Centre

5- Women Only

6- pilot

7- Women's Safety in Public Transport

1- Spain

2- The Importance of Urban Spaces for the Public Realm

3- why women-only

محیط امنی برای زنان نیستند و بهتر است پارک‌های ویژه بانوان - که گاهی از آنها با نام «پارک زنانه»<sup>۱</sup> یاد می‌کنند - ایجاد شوند که زنان بتوانند در آنها آزادانه حضور یابند و روابط اجتماعی را تجربه کنند. اما این موضوع که آیا ایجاد پارک‌های زنانه واقعاً کار درستی است یا خیر به شدت مورد بحث است. مثلاً یکی از کشورهای پیشرو در احداث پارک‌های زنانه ترکیه است که در اغلب شهرهای خود پارک‌هایی با برچسب «بانوان» یا «خانوادگی» دارد. کن<sup>۲</sup> در مطالعه‌ای موردی نشان داد که می‌توان بدون حذف کردن مردان از صحنه پارک - و در نتیجه محدود کردن عملکرد پارک شهری - تجربه زنان مسلمان از پارک شهری را به نحوی تغییر داد که به حوزه شهری قابل اعتمادی برای زنان مبدل شود» (Can, 2013).

در ایران نیز برومند و رضایی (۱۳۹۵) در پژوهشی که درباره ارزیابی عملکرد بوستان‌های زنان انجام داده‌اند احداث و توسعه بوستان‌های زنان را به سبب ایجاد بستری مناسب برای گذران اوقات فراغت و محیط‌هایی سرزنده و فعال در افزایش حضور انتخابی زنان در فضاهای شهری و برقراری تعاملات اجتماعی آنان مؤثر دانسته‌اند. بر این اساس، آنها ایجاد این بوستان‌ها را موجب افزایش سهم زنان از فضاهای شهری و راهکاری عملی برای دستیابی به عدالت جنسیتی در کشورهای اسلامی به‌شمار آورده‌اند.

در حقیقت، جداسازی جنسیتی با تأکید بر افزایش حضور زنان در عرصه اجتماعی، تأمین امنیت آنان و در نتیجه تلاش برای توجه به نیازهای زنان در شهر مورد توجه موافقان قرار گرفته است. این در حالی است که تأمین امنیت و ایجاد احساس ایمنی در زنان فارغ از شرایط فضایی محصول عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دیگری نیز هست.

## ۲-۲- مخالفان جداسازی جنسیتی

مخالفان جداسازی جنسیتی معتقدند که این جداسازی در نتیجه محدودیت‌ها و حصارهای فرهنگی ایجاد شده برای زنان در فضای اجتماعی و عرصه‌های عمومی

1- women park  
2- Can

است که خود باعث شده آنها نتوانند به خوبی از موقعیتشان بهره ببرند و مجبور باشند خود را همچون یک عنصر غیرلازم از صورت مسئله فضاهای شهری و عرصه‌های عمومی حذف کنند یا در فضای اختصاصی خود در شهر حضور یابند و منکر نیازهای فضایی‌شان به‌عنوان شهروند شوند. از منظر مدافعان لیبرال حقوق زنان یا برابری طلبان، رانده شدن زنان از فضاهای عمومی شهری به فضاهای اختصاصی - که جامعه مردسالار آن را به‌عنوان راهکاری برای حل مشکل زنان در استفاده از فضاهای عمومی شهری مطرح کرده و اثرات آن به‌صورت تفکیک جنسیتی فضاهای آموزشی، فراغتی و حمل و نقل بروز یافته است - نتیجه‌ای جز محروم شدن آنان از حضور برابر در فضاهای عمومی شهری، عدم مشارکت اجتماعی آنها در شهر و همچنین نقض حقوق شهروندی در استفاده از امکانات و تسهیلات شهری نداشته است. این گروه بر این باورند که اگر نگاه جنسیتی در سطح کلان جامعه از بین برود و زنان مردان به‌عنوان شهروند از حقوق برابر در بهره‌برداری از امکانات و فضاهای شهری برخوردار شوند، دیگر به سیاست‌های حمایتی این‌چنینی و سرمایه‌گذاری‌های بسیار، که به تعمیق نگرش و شکاف‌های جنسیتی دامن می‌زند، نیازی وجود نخواهد داشت.

در این زمینه مقاومت‌هایی اجتماعی و سیاسی در برابر خدمات مختص زنان در کشورهای مختلف وجود دارد. مرکز مطالعات و منابع زنان انگلستان در سال ۲۰۰۷ طی مطالعه‌ای میدانی تلاش کرد علت این مخالفت‌ها و فشارها را دریابد و به مواردی از این قبیل دست یافت:

۱. اشتباه گرفتن مفهوم مختص زنان با سکسیسم
۲. این باور غلط که برابری جنسیتی در جامعه محقق شده و به این‌گونه خدمات نیازی نیست
۳. یکی دانستن خدمات مختص زنان با تبعیض علیه زنان یا انحصارطلبی جنسیتی (why women-only, 2007: 93-95)

همچنین باید توجه داشت که نظریه‌پردازان زنانه‌نگر که ایده فضاهای مختص زنان را زیر سؤال می‌برند بر تاریخچه پیدایش این ایده دست می‌گذارند و معتقدند که

نویسندگانی مانند ویرجینیا وولف<sup>۱</sup> و نیز طرفداران روابط تک‌جنسیتی در دهه ۱۹۶۰ آن را ساخته و پرداخته‌اند. اما این ایده، از نظر مخالفان آن، در محفل‌های برابری خواهانه زنان در حالی به صورت مکرر مطرح می‌شود که همچنان تعریف روشنی از «امنیت برای زنان»<sup>۲</sup> و جنسیتی کردن امنیت وجود ندارد. برای پر کردن این خلأ، برخی از نظریه‌پردازان زنانه‌نگر پیشنهاد می‌کنند که میان «ایمن از»<sup>۳</sup> و «ایمن برای»<sup>۴</sup> تفاوت قائل شویم. جداسازی برای ایمن کردن زنان از خشونت، تجاوز و حفظ حقوق شهروندی آنهاست، در حالی که مقصود پیشگامان مدافع حقوق زنان از «اتاقی برای خود» احساس ایمنی برای بیانگر بودن به لحاظ شناختی، عقلانی و هیجانی است و در عین حال این نوع فضای امن برای زنان متضمن مشارکت فعال اجتماعی و ادغام در بطن جامعه است، نه جدا شدن از جامعه (Lewis et al., 2015).

به‌طور کلی، مخالفان جداسازی جنسیتی استدلال می‌کنند که جدا کردن فضاهای اجتماعی به معنای این است که مردان را مرد نگه داریم و زنان را عقب برانیم یا به عبارت دیگر مردانگی را تقویت و زنانگی را تضعیف کنیم. این عده معتقدند که جداسازی جنسیتی هرچند با نیت حمایت از زنان اتفاق می‌افتد، ولی همچنان نمایانگر تبعیض جنسیتی است که در لباس دیگری ظاهر شده است. تا زمانی که فضاهای مردانه در جوامع دیده می‌شوند معلوم است که مردان همچنان یک طبقه اجتماعی متمایز دیده می‌شوند. جداسازی جنسیتی در جامعه مردم‌محور به معنای ماهر تأیید بر این باور است که زن یک شیء جنسیتی<sup>۵</sup> است (Cohen, 2011). به عبارت دیگر، این جداسازی بر افزایش سلطه و قدرت مردان، بازتولید طبقه برتر برای مردان و نیز از دست رفتن آزادی زنان تأکید دارد.

مخالفان جداسازی فضاهای جنسیتی همچنین بر تأثیر این جداسازی در انجمن‌های تک‌جنسیتی متوسل می‌شوند. از منظر این گروه، انجمن‌های برادری و

کلوپ‌های زنانه از بارزترین موارد جداسازی جنسیتی هستند. تحلیل‌های کمی نشان می‌دهند این باور که «مرد باید کنترل‌گر رابطه میان زن و مرد باشد» در انجمن‌های برادری به‌وفور دیده می‌شود و نمونه‌ای از «طرز تفکر گروه هم‌سالان مذکر»<sup>۶</sup> است که در بسیاری از فضاهای جداسازی شده جنسیتی وجود دارد. به‌علاوه، مطالعات نشان می‌دهند که مردان در محیط‌های مردانه دست به سیاست‌گذاری‌های کاملاً مردانه می‌زنند و نسبت به ناهم‌نوازی جنسیتی<sup>۷</sup> واکنش‌های تنبیهی نشان می‌دهند؛ مسئله‌ای که حتی در سرویس‌های بهداشتی مردانه که بر اساس جداسازی جنسی تعریف شده‌اند، دیده می‌شود. تحقیقی که درباره تصاویر روی دیوارهای سرویس‌های بهداشتی عمومی انجام شد، نشان داد کسانی که این تصاویر را می‌کشند افرادی ضدزن هستند. در واقع می‌توان گفت که جداسازی جنسیتی نیرویی است که پشتوانه تفوق و برتری مردانه قرار می‌گیرد و محیطی می‌آفریند که به روابط نابرابر زن و مرد دامن می‌زند. محدودیت هویت، محدودیت آزادی و انتقال محدود دانش اجتماعی درباره جنسیت از دیگر معایب فضاهای جنسیتی است (Cohen, 2011).

رندل در مطالعات خود به بررسی فضاهای اختصاصی مردان و زنان از نظر فرهنگی، نقش خاص فضا، نمادسازی، حفظ و تقویت روابط جنسیتی می‌پردازد. موضوعی که در تمامی مباحث مربوط به روابط میان جنسیت و فضا عنوان شده است از طریق قدرت تعریف می‌شود و اینکه چگونه روابط قدرت در محیط ساخته‌شده نقش می‌بندند (Rendell, 2000: 101). در حقیقت، این روابط قدرت است که به نابرابری جنسیتی منجر می‌شود. در مطالعات دیگری که درباره جنسیت و فضا انجام شده برداشت‌های دیگری مطرح شده و عقیده بر آن است که فضای زنانه محیطی کنترل‌شده و تحت سلطه است. در این فضاها امنیت، آن هم از نوع ویژه آن، وجود دارد ولی در ازای از دست رفتن آزادی حاصل شده است (یلدا، ۱۳۸۰: ۱۹).

در این زمینه کمیسیون حقوق بشر و برابری (۲۰۱۴) در

1- Virginia Woolf

2- women safety

3- safe from

4- safe to

5- sexualized object

6- male-peer-group thinking

7- gender nonconformity

دستورالعمل<sup>۱</sup> خود برای ملاحظات حقوق بشری در زمینه جداسازی جنسیتی در رویدادها و مناسبت‌های دانشگاهی و اتحادیه‌ای در انگلستان، اسکاتلند و ولز اشاره می‌کند که انجام هر نوع جداسازی جنسیتی مجاز نبوده و ضامن رعایت حقوق بشر نیست. این بدان معنی است که همواره ایجاد فضاهای جنسیتی عمومی در خدمت زنان نبوده، بلکه ممکن است به بازتولید نابرابری جنسیتی منجر شود.

مخالفان جداسازی حتی موضوع امنیت مطرح‌شده در جداسازی فضایی را نیز مورد تردید قرار می‌دهند. در پژوهشی که سایت ریسرچ گیت<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۴ به‌طور برخط منتشر کرده آمده است که بیشتر مطالعاتی که در مورد فضاهای امن مختص زنان صورت گرفته‌اند امنیت آنها را از نظر فیزیکی و جسمی بررسی کرده و آرامشی نسبی را که این احساس امنیت به آنها می‌دهد مطرح کرده‌اند. اما مطالعاتی که امنیت روان‌شناختی این گروه از زنان را در فضاهای امن تک‌جنسیتی بررسی کنند انگشت‌شمار هستند و همچنین مطالعه‌ای که به امنیت شناختی<sup>۳</sup> آنها بپردازد تقریباً وجود ندارد. در این مطالعه به دو تحقیق آنزالدو<sup>۴</sup> (۲۰۰۲) و هنری<sup>۵</sup> (۱۹۹۳-۱۹۹۴) اشاره شده است (Stengel and Weems, 2010: 504) که نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد فضای امن توهمی بیش نیست و احساس ایمنی تجربه‌شده در واقع رهایی موقتی از بایدها و نبایدها و کنترلی است که به‌طور مرسوم در اطراف زنان اعمال می‌شود.

در پژوهشی که در مورد پارک‌های تک‌جنسیتی در هند انجام شده است (Shinde, 2013) هدف از احداث این پارک‌ها با محوریت زنان ایجاد فضایی برای نزدیکی فعالیت‌های همه‌آنان دانسته شده که سازمان‌هایی مردم‌نهاد آنها را پشتیبانی می‌کنند. همچنین هدف دیگر، ایجاد فضاهایی است که منحصراً برای فعالیت‌های مختلف زنان باشد. می‌توان گفت از آنجا که زنان قربانی پدرسالاری هستند این پارک‌ها فضایی برای

انها ایجاد می‌کنند که تا حدی از سلطه مردان خارج شوند. با این حال، شیند<sup>۶</sup> عقیده دارد که این جدایی و تفکیک جنسیتی، به جای ایجاد ایمنی و امنیت برای زنان، فاصله اجتماعی بین جنس‌ها را افزایش می‌دهد. بازتولید خشونت نسبت به زنان یکی از مواردی است که مخالفان جداسازی جنسیتی مطرح کرده‌اند. پژوهش‌ها حاکی از آن است که جداسازی جنسیتی حتی در زمین بازی کودکان نیز ممکن است بستری برای نهادینه‌سازی غالب بودن جنس مرد ایجاد کند. ورزش یکی از حوزه‌هایی است که جداسازی جنسیتی در آن غالباً باعث نظرات منفی و خشونت مردان نسبت به زنان می‌شود. مطالعه‌ای روی تیم راگی مردان (Cohen, 2011) نشان داد که جداسازی جنسیتی باعث شد آنان واکنش‌های انزجاری نسبت به زنان نشان دهند. اگر زنی حین تمرین وارد محوطه می‌شد آنها نسبت به او واکنش‌های خشونت‌بار یا تحقیرآمیز نشان می‌دادند. یافته‌های پژوهشی در مورد جداسازی فضاهای حمل و نقل عمومی در سال ۲۰۱۳ حاکی از آن بود که زنان در حمل و نقل عمومی غالباً با خشونت و تعرض جنسی مواجه می‌شوند، به‌خصوص در کشورهایی که با سطوح بالایی از نابرابری جنسیتی روبه‌رو هستند (Peters, 2013). غالباً واکنش رایج به این مشکل ایجاد خدمات حمل و نقل مختص زنان (حمل و نقل صورتی) است (Dunckel-Graglia, 2013a). اما درباره کارایی این راه‌حل هیچ قطعیتی وجود ندارد (Dunckel-Graglia, 2013b). خدمات حمل و نقل صورتی فقط در کشورهای در حال توسعه دیده نمی‌شود؛ در شهرهایی مانند لندن، پاریس و برلین هم شاهد اتوبوس‌ها و تاکسی‌های صورتی هستیم. ولی محققان تصور می‌کنند که مسئله حمل و نقل مختص بانوان پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را به راحتی «خوب» یا «بد» خواند. به نظر برخی محققان، حمل و نقل صورتی پاسخی موقتی و ناکافی به پدیده رو به وخامت خشونت علیه زنان است (Kirk, 2014).

در ژوئن ۲۰۱۶، در انگلستان، مقاله‌ای در سایت اس‌بی‌اس<sup>۷</sup> منتشر شد که پس از اضافه کردن واکنش‌های مخصوص

1- Gender Segregation at Events and Meetings: Guidance for Universities and Students' Unions.

2- www.Researchgate.net

3- cognitive

4- Anzaldú a

5- Henry

6- Shinde

7- www.SBS.com.au

زنان به قطار و اتوبوس شهری<sup>۱</sup> دربارهٔ مطرح شدن موج جداسازی از مخاطب می‌پرسید: «آیا جدا کردن زنان راه‌حلی برای حفاظت از آنهاست؟!»

گرچه واگن‌های زنانه، کتابخانه‌های زنانه، کنسرت‌های زنانه، پارکینگ‌های دوست‌دار زنان و نظایر اینها اندک‌اندک به فضای شهری معرفی می‌شوند، اما به نظر می‌رسد پژوهشگران بر این باورند که این راه‌حل فقط پاسخی موقتی به یک مسئلهٔ جدی و ریشه‌ای است (Heath, 2016). برخی نظرهای زنان در این باره که در تارنماهای برخی از زنان‌نگر منتشر شدند از این قرارند: «اگر من مرد بودم، از اینکه آن قدر غیرقابل اعتماد فرض می‌شدم که زنی نباید کنارم می‌ایستاد، عصبانی می‌شدم» یا «افزودن واگن زنانه به قطارهای انگلستان حرکتی رو به عقب است». اما برخی هم بر این باورند: «خدا را شکر! من از یازده‌سالگی مجبور بودم از وسایل نقلیهٔ عمومی استفاده کنم و هیچ‌وقت راحت نبودم. علتش هم فقط و فقط مردان بودند» (See: [www.feministcurrent.com](http://www.feministcurrent.com), 2015).

در ایران نیز در پژوهشی که کریمی (۱۳۸۹) در مورد «پارک مادر ارسباران» انجام داده دلایل زنان دربارهٔ حضور یا عدم حضور در پارک‌های اختصاصی بانوان در پنج گروه مختلف، اعم از موافق و مخالف، چنین مطرح شده است: ۱- تفکیک جنسیتی را مناسب نمی‌دانستند و خواهان نظارت اجتماعی بیشتر بودند تا بتوانند از دیگر فضاها استفاده کنند.

۲- تفکیک جنسیتی را مناسب می‌دانستند و علت نبود امنیت را وجود مردان غریبه می‌دانستند.

۳- مخالف تفکیک جنسیتی فضاها و خواهان آزادی و برابری در استفاده از فضاها بودند.

۴- تفکیک جنسیتی را راه‌حل نمی‌دانستند، اما پارک‌های زنانه را فعلاً راه‌حلی برای محدودیت‌های قانونی و عرفی و امنیتی قلمداد می‌کردند.

۴- از ساخت پارک‌های زنانه استقبال می‌کردند و به علت محجبه بودن، آن را امکانی برای ارتقای کیفیت زندگی خود می‌دیدند.

۵- اظهار می‌کردند که در صورت داشتن امنیت و آزادی، پارک‌های زنانه انتخاب آنها نخواهد بود.

بدین ترتیب بحث جداسازی جنسیتی همواره راه‌حلی موقتی و زودگذر در نظر گرفته شده است. تأکید پژوهش‌ها بر برابری جنسیتی و جلوگیری از بازتولید نابرابری جنسیتی است. به نظر می‌رسد با جداسازی جنسیتی تفوق و برتری مردانه مورد تأکید قرار می‌گیرد و در نتیجه به بازتولید این رویکرد منجر می‌شود.

### ۳- نتیجه‌گیری

برخی از نظریه‌پردازان بر این باورند که موضوع فضاها و زنان مسئله‌ای امروزی است و در محافل دانشگاهی پررنگ‌تر دیده می‌شود؛ جایی که کشمکش برای کتابخانه‌ها، زمین‌های ورزشی و استراحتگاه‌های زنانه و ارتباط آنها با حقوق بشر مباحث داغی را میان دانشجویان و استادان و متولیان امر برمی‌انگیزد. اما همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد جداسازی فضاها و مردانه و زنانه از یکدیگر در جوامع سنتی گذشته ریشه دارد و در دنیای امروز اشکال جدیدتری پیدا کرده که با انگیزه‌ها و دلایل مختلفی، هم در کشورهای توسعه‌یافته و هم در کشورهای در حال توسعه، پیگیری می‌شود. منتقدان این جداسازی جنسیتی در فضاها شهری معتقدند آن عده از طرفداران حقوق زنان که خواهان جداسازی برای مراقبت از زنان هستند در واقع در تلاش‌اند تاریخ را به عقب برگردانند و این خود نوعی از جنسیت‌گرایی (سکسیسم)<sup>۲</sup> است (See: [www.spiked-online.com](http://www.spiked-online.com), 2016). موافقان نیز بر امنیت، تقویت حضور زنان در فضاها و عمومی و تلاش به‌منظور ایجاد حق انتخاب برای زنان تأکید دارند. اما باید گفت که در این زمینه پژوهش‌های عمیقی که سود و زیان این جداسازی را به‌خوبی تبیین کند صورت نگرفته است و بنابراین نمی‌توانیم به شواهد مستند محکمی در تأیید یا رد هر یک از این دو دیدگاه اشاره کنیم.

در نهایت به نظر می‌رسد رویکردی که جداسازی و ایجاد فضاها و مختص زنان را در جهان امروز تأیید می‌کند، با توجه به ریشه‌های سنتی آن، بیشتر در خدمت بازتولید

1- NSW Rail, Tram and Bus Union  
2- online

3- sexism



رویکرد پدرسالارانه‌ای است که زنان را فقط در نقش‌های شهروندی منفعل و محدود به حوزه خصوصی در نظر گرفته است و حضور زنان در عرصه عمومی را نیز با توجه به همین تعریف نقشی در چارچوبی جدا از مردان در نظر می‌گیرد. این تعریف در حقیقت ادامه همان سنت دیرینه اندرونی/بیرونی، خصوصی/عمومی و منفعل/فعال است. از سوی دیگر، رویکردی که این جداسازی را در جهت تأمین امنیت و آرامش زنان، ایجاد فرصت‌های برابر حضور در عرصه عمومی، و تلاش برای پذیرش نقش‌های مادری و همسری زنان در جامعه می‌داند نیز همانند رویکرد قبلی مورد وفاق و پذیرش حداکثری نظریه‌پردازان زنانه‌نگر قرار نگرفته است. آنچه از مرور نظری در این مقاله برمی‌آید این است که جداسازی جنسیتی فضاهای شهری را نمی‌توان در همه حال یک حق انتخاب برای زنان در نظر گرفت، چراکه صرف حضور این فضاها در خدمت بازتولید طبقه جنسیتی است که سال‌هاست طرفداران حقوق زنان برای رفع آن تلاش کرده‌اند و راه‌حل رسیدن به برابری جنسیتی را در ایجاد فضاهای امن شهری، آموزش و فرهنگ‌سازی جنسیتی دانسته‌اند.

اگر امروزه موضوع ایجاد فضاها و امکانات خاص زنان در شهرها مانند رستوران‌های زنانه، تاکسی‌ها، واگن‌ها و اتوبوس‌های زنانه با انگیزه ایجاد تنوع بیشتر در امکانات عمومی و افزایش حق انتخاب برای زنان در تمام طیف‌های قومیتی، ملیتی و مذهبی در نظر گرفته شود (که بر اساس آن، تنوع گروه‌های زنان و نیازهای متفاوت آنان خدمات شهروندی متفاوتی را نیز نیازمند است)، رویکردی قابل دفاع خواهد بود. اما اگر این فضاها با هدف جداسازی جنسیتی زنان از مردان در فضاهای عمومی شهری ایجاد شود (که در راستای همان اهداف شکل‌گیری خود در جوامع سنتی یا با هدف ترویج باور شهروندی منفعل زنانه و طرد زنان از فضاهای شهری عمومی است)، هرچند توجیهاتی برای منافع این جداسازی جنسیتی زنان مطرح شود، در نهایت کیفیت زندگی زنان در شهر را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و به حذف آنان از فضاهای شهری منجر می‌شود. بر این

اساس، مهدی‌زاده معتقد است که این جداسازی، با وجود برخی آثار مثبت ظاهری و کوتاه‌مدت، از نظر پیامدهای روان‌شناختی قابل دفاع نیست و بسیاری از شهروندان زن یا مرد نیز با آن مخالف‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۲). در حقیقت، این اقدام اگرچه موجب سهولت بهره‌برداری از فضا برای زنان می‌شود، اما مفهوم اجتماعی از فضا را سلب می‌کند و آن را به فضای کارکردی تنزل می‌دهد (تمدن، ۱۳۸۷).

بنابراین، به نظر می‌رسد این فضاهای جنسیتی شده در نهایت نمی‌توانند نسخه فراگیری برای همه جوامع باشند و فقط می‌توان آنها را به‌عنوان راهکاری کوتاه‌مدت برای عادی‌سازی حضور زنان در شهر در کشورهای در حال توسعه تعریف کرد.

در پایان پیشنهاد می‌شود که با توجه به کمبود منابع مطالعاتی در این زمینه و اهمیت موضوع یک مطالعه میدانی بومی در این باره انجام شود. شکی نیست که برای دادن پاسخ قطعی به این پرسش که «آیا فضاهای جنسیتی شهری در نهایت بر کیفیت زندگی زنان تأثیر مثبت دارند؟» به مطالعات تحلیلی بیشتری نیاز داریم.

منابع:

- RC21 Conference. Berlin (Germany).
- Cohen, S. D. (2011). "Keeping Men 'Men' and Women Down: Sex Segregation, Anti-Essentialism, And Masculinity". *Harvard Journal of Law & Gender*. 33: 509-553.
  - Dunckel-Graglia, A. (2013a). "Pink Transportation in Mexico City: Reclaiming Urban Space Through Collective Action Against Gender-Based violence". *Journal OF Gender & Development (Feminist Solidarity and Collective Action)* 21 (2): 265-276.
  - ----- (2013b). "Women-Only Transportation: How 'Pink' Public Transportation Changes Public Perception of Women's Mobility". *Journal of Public Transport- Gender Segregation at Events and Meetings: Guidance for Universities and Students Unions* (2014). Equality and Human Rights Commission. Available at: [www.equalityhumanrights.com](http://www.equalityhumanrights.com) (Accessed 5 April 2018).
  - Heath, N. (2016). Are Women-Only Spaces the Solution to Sexual Assault?. Available at: [www.sbs.com.au](http://www.sbs.com.au) (Accessed 2 April 2018).
  - Kirk, M. (2014). The Gray Area in 'Pink' Transportation. Available at: [www.citylab.com](http://www.citylab.com) (Accessed 2 April 2018).
  - Lewis, R., E. Sharp., J. Remnant., and R. Redpath. (2015). Safe Spaces: Experiences of Feminist Women-Only Space, Published: 30 Nov 2015. Available at: [www.socresonline.org.uk](http://www.socresonline.org.uk) (Accessed 5 April 2018).
  - Peters, D. (2013). Gender and Sustainable Urban Mobility, Global Report on Human Settlement. Available at: [www.unhabitat.org](http://www.unhabitat.org) (Accessed 11 April 2018).
  - Phadke, S. (2006). Gendered Usage of Public Spaces: A Case Study of Mumbai. Available at: [http://cequinindia.org/pdf/Special\\_Reports/Gendered\\_Usage\\_of\\_Public\\_Spaces%20by%20Shilpa%20Phadke.pdf](http://cequinindia.org/pdf/Special_Reports/Gendered_Usage_of_Public_Spaces%20by%20Shilpa%20Phadke.pdf).
  - Rendell, J. (2000). *Gender, Space, Architect. Introductory Essay: Gender,*
  - ابادزی، یوسف، سهیلا صادقی فسایی، و نفیسه حمیدی. (۱۳۸۷). «احساس ناامنی در تجربه زنان از زندگی روزمره». *پژوهش زنان* ۶ (۱): ۷۵-۱۰۳.
  - افروغ، عماد. (۱۳۷۷). *فضا و نابرابری اجتماعی: الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن*. تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
  - برومند، مریم و سولماز رضایی. (۱۳۹۵). «ارزیابی عملکرد بوستان‌های زنان در ارتقای عدالت جنسیتی، نمونه موردی: بوستان مادر آزادگان، منطقه ۱۵ شهر تهران». *پژوهش‌نامه زنان* ۷ (۲): ۴۵-۶۱.
  - پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۵). *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*. ج ۱، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
  - تمدن، رؤیا. (۱۳۸۷). «زنان و فضاهای شهری». *جستارهای شهرسازی* (۲۴-۲۵): ۲۰-۳۳.
  - خلیلی، محسن. (۱۳۸۶). «آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران». *پژوهش زنان* ۵ (۲): ۱۶۵-۱۸۶.
  - صادقی، علیرضا، فریال احمدی، نازنین غفاری سروسناتی، و مجتبی رفیع‌پان. (۱۳۹۱). «تدقیق انگاره‌های حاکم بر حضور زنان مسلمان در عرصه‌های عمومی شهری (نمونه موردی: شهر شیراز)». *مطالعات شهری* ۱ (۲): ۷۱-۸۶.
  - کاظمی، مهروش. (۱۳۸۸). «رویکردی تحلیلی به جنسیت در بهبود کیفیت فضا (نمونه موردی: عرصه‌های عمومی با تأکید بر پارک گلستان و پارک اتل‌گلی تبریز)». پایان‌نامه دکتری معماری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
  - کریمی، سارا. (۱۳۸۹). «بررسی عملکرد احداث پارک‌های زنانه در شهر تهران (مطالعه موردی: پارک ارسباران)». [www.memarnet.com](http://www.memarnet.com).
  - مدنی‌پور، علی. (۱۳۸۴). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی*. ترجمه فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی.
  - مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۹۵). «در جست‌وجوی شهرهای انسانی‌تر: درآمدی بر نظریه‌های شهر و جنسیت». ۹-۳۴. در: جواد مهدی‌زاده (سروراستار). *زنان، شهر و شهرسازی*. تهران: آگاه.
  - یلدا، ترانه. (۱۳۸۰). «جنسیت، اعضای شهری و جامعه مدنی». *شهرداری‌ها* ۳ (۲۶): ۱۹-۲۱.
  - Bhatt, A., M. Ranjana., and A. Khan. (2012). Women's Safety in Public Transport. The Wri Ross Center for Sustainable Cities. Available at: [www.wrirosscities.org](http://www.wrirosscities.org) (Accessed 1 April 2018).
  - Can, E. (2013). "Shifting Boundaries and Dynamics of Neighborhood: Women In Public Parks in Ankara, Turkey". 29-31. Paper Presented at the *International*

United Nations Population Funds. (2015). Women & Girls Safe Spaces: A Guidance Note Based on Lessons Learned from the Syrian Crisis. Available at: [www.unfpa.org](http://www.unfpa.org) (Accessed 1 April 2018).

Women's Resource Centre. (2007). Why Women-Only? The Value and Benefits of by Women, for Women Services. Published by: *Women's Resource Centre*. Available at: [www.whywomen.org.uk](http://www.whywomen.org.uk) (Accessed 11 April 2018).

Women-Only Public Transit: Regressive or Dreamy?. (2015). Available at: [www.feministcurrent.com](http://www.feministcurrent.com) (Accessed 11 April 2018).

[www.en.wikipedia.org/women-only](http://www.en.wikipedia.org/women-only). (Accessed 1 April 2018).

*Space*. London & New York. Routledge.

- Shinde, M. (2013). Why Indias Gender Park is a Terrible Idea. Available at: [www.policymic.com](http://www.policymic.com).

- Spain, D. (2005). "The Importance of Urban Spaces for the Public Realm". *Journal of Research in Urban Sociology* 9: 9-28.

- Stengel, S., and L. Weems. (2010). Questioning Safe Space: An Introduction. Available at: [www.link.springer.com](http://www.link.springer.com). (Accessed 11 April 2018).

The Sexism Of Safe Spaces. (2016). Available at: [www.spiked-online.com](http://www.spiked-online.com) (Accessed 12 April 2018).

UNICEF. (2016). Promoting Positive Environments for Women and Girls Guidelines for Women and Girls Friendly Spaces in South Sudan. Available at: [www.mhinnovation.net](http://www.mhinnovation.net) (Accessed 2 April 2018).

# Gender Segregation in Urban Spaces and Women's Quality of Life

Nasim Alsadat Mahboubi Shariat Panahi  
Maryam Jange Zargari

## Abstract

Development of favorable public urban spaces plays a significant role in realization of sustainable development through considering requirements, real possibilities and people participation in the city. Historically, urban spaces have displayed gendered nature due to their architectural style; meaning urban spaces practically have restricted women's free mobility leading to their spatial exclusion. Thus, not only women have been deprived of access to public urban spaces but also they have been excluded from social activities and participation.

In recent decade, in Iran programs have been implemented to create women-only spaces seeking women's satisfaction in metropolises such as Tehran. Spaces like wagons, buses, women-only parks and welfare complexes are allocated to female population with different objectives: to create womanly urban spaces, remove their spatial exclusion and enhance their safety. This paper reviews womanly urban spaces theoretically, and

presents pro and cons regarding gender segregation in urban spaces and its impact on women's quality of life. It seems none of the approaches has provided enough evidences to support their views. Proponents emphasize women's safety, its impact on women's life and opportunities for women's active presence in public spaces; on the other hand, opponents consider reproduction of traditional gender segregation, women's spatial exclusion of public urban spaces and women's passive citizenship. Seemingly, positive function of such spaces partially is acceptable, if creating gendered urban spaces results in entitlement of women to choose between segregated/ not segregated spaces to meet their needs in public domains. However, gendered spaces may be considered merely as a temporary solution in transition period for normalization of women's social activities in masculine cities.

## Key words

Women, City, Public Space, Quality of Life